

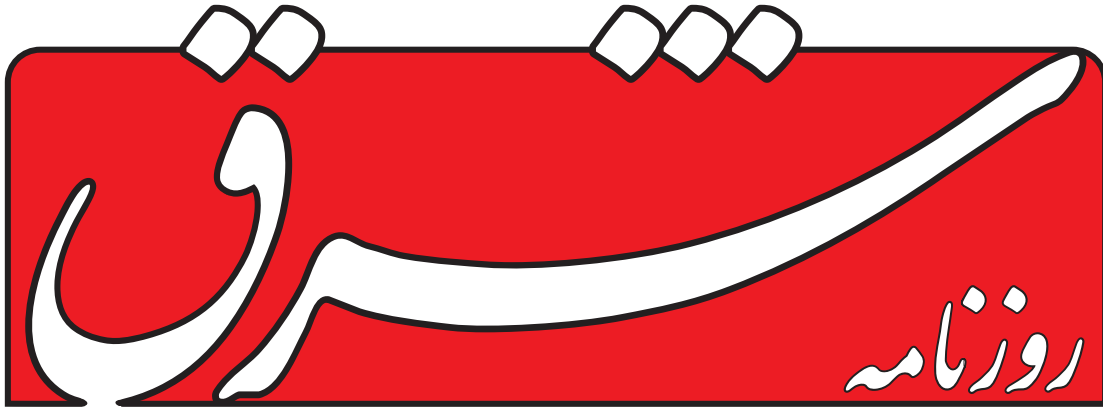


پایان ماجرای ساتیس نفت کش ویتنامی بعد از تخلیه بار نفت، ایران را ترک کرد

گروه دیپلماسی: داستان نفت کش ویتنامی «ساتیس» ظاهراً به خیر و خوشی به پایان رسید. دیروز سپاه اعلام کرد نفت کش توقیف شده ساتیس پس از تخلیه نفت ایران در بندرعباس، با حکم قضائی آزاد شد. سعید خلیفه زاده سخنگوی وزارت خارجه...

صفحه ۴

پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ - ۵ ربیع الثانی ۱۴۴۳ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱



«محمدی» جایگزین «حاج محمدی» شد رئیس سازمان زندان‌ها تغییر کرد

گروه سیاست: با حکم رئیس دستگاه قضا «غلامعلی محمدی» جایگزین «محمد مهدی حاج محمدی» در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور شد. محمدی، پیش از این معاونت دیوان عالی کشور، معاونت حوزه ریاست قوه قضائیه...

صفحه ۲

سال نوزدهم - شماره ۴۱۴۱ - ۱۲ صفحه - ۷۰۰۰ تومان

تترها

نخستین وزیر رییسی برای پاسخ گویی به مجلس می رود مصاف زودهنگام؟

صفحه ۳

شیوع بی دندانی میان قشر کارگر و کم درآمد

صفحه ۹

تبدیل پارلمان شهری به نهادی فرمان پذیر

صفحه ۳

«عبدالسلام» در چین

ناشنیده‌هایی از راه‌های سر به مهر پاکستان هسته‌ای

صفحه ۶



چرا علی دایی بی رحم شده است؟

صفحه ۱۱

حرف اول

سندرم مسئولیت بی اختیار

مهسا جزینی - دبیر گروه سیاسی



احمد عراقچی، معاون وقت ارزی بانک مرکزی، چند شب قبل میهمان اتاقی در کلاب‌هاوس بود. او بارها و بارها نسبت به سیاست‌های ارزی وقت بانک مرکزی به ویژه ارز چهارهزار و ۲۰۰ تومانی اعلام برائت کرد و گفت که شخصاً با آن مخالف بوده اما چون تصمیم هیئت دولت بوده چاره‌ای جز اجرا نبوده است. این پاسخ و باعث شد که مقابلاً بارها و بارها از سوی منتقدان مورد پرسش قرار گیرد که پس چرا مانند آقا حداقل تعهد و با دانش کارشناسی اش این نبوده که استعفا دهد؟ تقریباً همین ابهام درباره ظریف هم مطرح بود به ویژه بعد از استعفای ناپهنگام سال ۹۷ و بازماندنش. بعدترها وقتی آن قابل صوتی منتشر شد که حاوی کلیه‌های ظریف بود، به ویژه درباره هزینه‌شدن دیپلماسی برای میدان، باز هم این سؤال مطرح شد که ظریف اگر سیاست‌های اجرایی حوزه تحت مدیریتش را قبول نداشته، با آن مشکل یا اختلاف داشته است، پس چرا استعفا نداد. معصومه ابتکار هم دیروز درباره اینکه چرا خیلی از لایح مربوط به زنان در کمیسیون لوایح دولت ماند، گفته: «مسائل زنان چندان در اولویت نیست». سؤالی که از خانم ابتکار هم باید پرسید این است که چرا به نشانه اعتراض استعفا نداد؟ آیا وزرا، مدیران، متخصصان اجرائی و... صرفاً مأمورند و معذور به ماندن و انجام دستورات مقام بالاتر؟ یا فرض و قرار بر این بوده که چون به واسطه تخصص و توان مدیریتی خود به سمتی منصوب می‌شوند، پس اجتهادشان هم قرار است نافذ باشد. اگر قرار به نافذ نبودن و عدم تأثیرگذاری است، پس تخصص‌گرایی در انتصاب مدیران چه توجیه و فایده‌ای دارد؟ اینجاست که چهره‌ها متهم می‌شوند که ماندن بر صندلی قدرت و حفظ سمت را به هر قیمتی ترجیح داده‌اند. این موضوع به ویژه برای چهره‌هایی که بخش زیادی از شانس بودنشان در سمت‌های مدیریتی سطوح مختلف قدرت، مهم و تأثیرگذار، مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به صندوق رای است و صندوق رای هم وابسته به داشتن پایگاه مردمی، صندلی مدیریت شمشیر دولبه است که اگر بهنگام از رویش برنخیزند، خسر الدنیا و الاخرت خواهند شد. چراکه هم پایگاه مردمی جریان‌هایی که عامل نشستشان بر صندلی بوده، از دست می‌دهند و هم از سوی جریان مقابل متهم به بی‌کفایتی می‌شوند.

ادامه در صفحه ۴

اعلام وصول لایحه اصلاح نظام تخصیص ارز دولتی به مجلس

روزهای پایانی ارز دولتی؟

صفحه ۵



مرعشی جای کرباسچی دبیر کل کارگزاران شد

تغییر در پاییز سیاست

صفحه ۲

یادداشت

معضل تضمین کیفیت ساختمان‌ها



حامد خانجانی

ساختمان که چند سالی است از سوی شرکت‌های بیمه صادر می‌شود؟ به لحاظ اسنادی، این موارد می‌تواند به‌عنوان تضمین‌کننده کیفیت ساختمان قلمداد شود؛ اما اگر مهندس ساختمان یا کارشناس شهرداری یا بیمه‌گری خواننده این سطور باشد، توجه به اشرافی که بر فرایند تولید ساختمان‌های امروز کشور دارد و با نحوه صدور این گواهی‌ها آشناست، این اسناد و گواهی‌ها را دال بر ضمانت کیفیت ساخت‌وسازها نخواهد دانست. مسئله این است که در فرایند صدور این گواهی‌ها، بیش از آنکه مسائلی کیفی مطرح باشد، رویه‌های اداری مطرح است. زنجیره‌ای از برکه‌های مهر و امضاشده لازم است تا این اسناد صادر شوند؛ اما بررسی‌ها و ارزیابی‌های کیفی پشت این مهر و امضاها چندان قابل اعتماد نیستند. به عبارتی در بحث تضمین کیفیت ساختمان‌ها، با یک‌سری گواهی‌های صوری مواجهیم که صحت‌گذاری نشده‌اند و محتوا ندارند. چرا؟ لازم است نگاهی به فرایند احداث اکثر ساختمان‌ها در کشور داشته باشیم. تولید ساختمان استاندارد ملازم است با وجود استانداردهای طراحی و رعایت آن استانداردها در طراحی، وجود استانداردهای اجرائی و رعایت آن استانداردها در اجرا، وجود استانداردهای کنترلی و نظارتی و رعایت آن استانداردها در کنترل و نظارت و وجود نظامات اداری برای ترتیب و ترکیب فرایندهای طراحی، اجرا و نظارت و در نهایت برخورداری از مصالح استاندارد. چرخه عمر ساختمان‌ها شامل مراحل ایدپردازی، طراحی، اجرا، نظارت، تعمیر و نگهداری و بازیافت است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نبرد رستم با پولادوند^(۱)



مهدی افشار
پژوهشگر

نشسته بر کوهی دیگر و سپاه ایران را روحیه باخته و بیم زده می‌بیند، درحالی‌که سپاه توران سراسر شادی و هلهله است و در دل می‌گوید روزگار ما تاریک و سپاه گشته، بین چه‌گونه سر نامداران ما به خاک مالیده شده، به راستی که چرخش پرگار از ما برکشته و بخت بیدار ما به خواب رفته. رستم ران بر دو پهلوی اسب می‌فشرد و آهنگ آویختن با پولادوند می‌کند و فریاد برمی‌آورد: «ای دیو مردم‌خوار، اکنون خواهی دید گردش روزگار چه‌گونه است». پهلوانان ایرانی که همه از اسب فروکشیده شده، در مانده شده بودند، چون آواز رستم شنیدند، جانی گرفته از خاک برخاستند و رستم آن چهار گرد دلیر را چون گورانی دید که اسیر شیر شده باشند. رستم با مشاهده گردان ایرانی در دل، یزدان پاک را گفت اگر مرا نابینا می‌گرداندی، بهتر از آن بود که چشمم چنین روز تنگی را ببیند. پولادوند چون رستم را در برابر خویش دید، به فریاد گفت: «ای دلیری که پیل مست از برابرت می‌گریزد و شیر توان مقابله با چون تویی را ندارد، اکنون خواهی دید موج دریای نیل با تو چه می‌کند. اینک آتش جنگ من و کمند و زخم تیغ مرا بین که از این پس دیگر خسرو نمی‌تواند به تو تکیه کند؛ نه تنها خسرو که این کوچک پهلوانان که به نبرد من آمده‌اند، تو نیز زین پس جز به خواب، زنگاه می‌نخواهی دید و همه سپاهیانت را به افراسیاب می‌سپارم». رستم چون لاف کزاف پولادوند را شنید، او را گفت: «تا چند چنین یاره‌ها می‌بافی! از جنگاور خردمند و زیرک انتظار نمی‌رود که این چنین آسان و رایگان سر خویش را به باد دهد». پولادوند با این سخن، گشته‌های حکمت‌آموز گذشته را به یاد آورد که هر کس سوسو بی‌داد را بگیرد، جگرخسته و روزی زرد کرد، در برابر هر کاری چه نیکو و چه زشت، تنها باید طریق داد بی‌مورد، او همان رستمی است که روز روشن را بر دیوان مازندران به ظلمت کشاند، اما اکنون سخن به گزافه گفته بود و پای پس کشیدن ممکن نبود به همین روی به رستم گفت: «ای مرد رزم، تا کی می‌خواهی سخن بگویی، آماده نبرد باش». و با این سخن، پولادوند اسب را به جنبش آورد، کمند را به سوی رستم افکند تا او را به بند کشد، رستم سر را به زیر آورد، کمند از فراز سرش بی‌گزند بگذشت، رستم شمشیر برکشید، زخمی بر او زد، اما آن زخم تنها بند کمند پولادوند را بدید، رستم به جانب راست حریف چرخش کرد و گرز را بر سرش کوفت که آوای آن، فریاد دو سپاه را به آسمان رساند، ایرانیان از شادی و توراها آن اندوه، بر اثر این ضربه چنان چشم پولادوند سیاهی رفت که دستش از عنان گسسته شد.

ادامه در صفحه ۲

یادنامه اولین سالگرد درگذشت استاد آواز ایران

شماره تماس برای سفارش

۸۸۹۰۳۵۴۸



سرمقاله

دولت شفاف

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



یکی از بحث‌های مطرح قبل از تشکیل دولت سیزدهم موضوع شفافیت اقدامات دولت و البته شفافیت همه نهادها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بوده است. طبیعی است برخی موضوعات امنیتی و محرمانه و سری جایی برای شفافیت پیدا نمی‌کند ولی امید آن است که مهر محرمانه و سری و به‌کلی سری برای هر موضوع به کار برده نشود. برخی می‌گویند فعلاً بسیار زود است که از دولت سیزدهم و وزارتخانه‌ها و نهادهای تازه تغییر مدیریت داده شفافیت را طلب کنیم، درحالی‌که به‌هر حال آنچه انحراف را کم می‌کند و موجب حرکت قطار تصمیمات در ریل خود می‌شود شفافیت است و اینکه از مواقع آنچه می‌گذرد مردم مطلع شوند. آری! مردم مطلع شوند. اگر سابقه شفافیت در کشور وجود نداشت شاید پرداختن به امر شفاف‌سازی کاری عبث و ابروت بود، ولی می‌توان مثالی از نوع شفاف‌سازی که مدرک و سابقه آن وجود دارد مطرح کرد تا معنی شفاف‌سازی روشن شود، هرچند ممکن است مطابق معمول قابل نقد و بررسی باشد و اصلاحات در جهت تکامل آن مرعی شود. در سال‌های ۵۹ تا ۶۳ که مسئولیت وزارت صنایع بر عهده نویسنده بود، مجله‌ای به نام سنگر صنعت در وزارت صنایع تولید یافت. وظیفه این مجله درج همه اتفاقاتی بود که در محدوده وزارت روی می‌داد و شمشاره‌های آن هرچند قابل توزیع در ده‌های مطبوعات نبود اما به تعدادی بود که هر مراجعه‌کننده به وزارت می‌توانست آن را داشته باشد و مطالب آن را مرور کند. در حقیقت این نشریه که از سوی روابط عمومی وزارتخانه منتشر می‌شد، وظیفه واقعی روابط عمومی را به انجام می‌رساند. روابط عمومی نوعاً در سازمان‌ها برای توجیه یا ارائه اطلاعات بسته و غیردقیق انجام وظیفه می‌کند و در حقیقت جبران‌کننده اشتباهات و تسامح‌های مسئولان و مناسب جلوه‌دادن عملکردها هستند. بگذریم که برخی روابط عمومی‌ها کارشان فقط نصب پرچم و پارچه‌نویسی و چراغانی ساختمان سازمان مربوطه به‌خاطر مناسبت‌های عید و عزا و... است. متأسفانه ناهت‌ها سازمان‌های اجرائی کشور از ارائه اطلاعات و پاسخ صحیح به سؤال‌ها و تشریح عملکرد خود طفره رفته و صرفاً در برخی موارد مطالبی در تحسین اقدامات خود به نشر می‌آورند که سازمان‌های نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور از ارائه آنچه در بازرسی‌ها به آن رسیده‌اند به مردم خودداری می‌کنند. در کشور ما مسائل بسیاری از قبل اقدامات مدیران و تصمیم‌گیری آنان ایجاد شده است و اگر نبودند مطبوعات متعهد به آگاهی‌داند به مردم هیچ اطلاعاتی در اختیار مردم قرار نمی‌گرفت. اضافه می‌شود مسائلی که از سوی رسانه‌های بیگانه و معاند مطرح می‌شود و به دلیل آنکه هیچ مقام مسئولی درباره آنها توضیح نمی‌دهد نظر و نگاه رسانه بیگانه‌که امروز به‌وفور در فضای مجازی دیده می‌شود و به دل مردم می‌شنید و البته این به‌دل‌نشستن به‌دلیل تعدد آنها، چون عقده‌ای در کلوی افراد گیر می‌کند و کلاً اعتماد به حکمرانی از دست می‌رود. در این خصوص برخی مسئولان می‌گویند که وظیفه ما پاسخ‌دادن به اطلاعات ابراز‌شده از سوی معاندان نیست. باید گفت پاسخ‌دادن یعنی رضایت به آنچه گفته شده است و این پاسخ‌دادن موجب باور مردم به شایعات می‌شود. پس برای شفاف‌سازی باید دو کار هم‌زمان صورت گیرد. هم فعالیت‌های یک سازمان اعم از تصمیمات جلسات و صورت‌جلسات و هم تصمیمات انفرادی نیز آمار و اطلاعات از نتایج اقدامات حسب ماهیت سازمان به‌صورت هفتگی یا ماهانه در یک مجله تهیه شود و هم به هر آنچه به‌عنوان اتهامات، شایعات، آمار نادرست و... مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

ادامه در صفحه ۴